

قیام 29 بهمن 56 مردم تبریز

جرقه‌ای در دل ظلمت بود!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

روز 29 بهمن سال 1356، مردم تبریز با قیام اجتماعی خود پایه های دیکتاتوری حکومت سلطنتی را به لرزه درآوردند. هسته اصلی هدایت‌کنندگان این قیام را عمدتاً دانش‌جویان چپ و مردم مبارز و انقلابی تشکیل می‌دادند که با شکستن محاصره دانشگاه در روز 29 بهمن، خود را به محل تجمع مردم معترض رساندند؛ هدایت قیام 29 بهمن را به عهده گرفتند و به بهترین وجهی نیز پیش بردند. مردم تبریز، در این قیام قهرمانانه خود با اتکا به نیرو و قدرت اجتماعی خود، نه تنها در مقابل یورش نیروهای سرکوبگر حکومتی ایستادند، بلکه با تعرض انقلابی مراکز سیاسی و اقتصادی حکومت، چون مرکز حزب رستاخیز، بانک ها و ادارات دولتی را به آتش کشیدند و نیروهای سرکوبگر حکومت شاه را زمین گیر نمودند. از این رو، قیام مردم تبریز، نقطه عطفی مهم و سرنوشت ساز در گسترش مبارزات مردم سراسر ایران بر علیه حکومت سلطنتی بود.

تظاهرات مردم که از ساعت 10 صبح شروع شده بود، تا ساعت 6 بعد از ظهر به طول انجامید. با فروکش کردن جوش و خروش مردم و از ساعت 7 شب، با اعلام حکومت نظامی، تبریز عملاً به شهری جنگ‌زده تبدیل شده بود.

قبل از این نیز مردم تبریز در جریان انقلاب مشروطیت، یعنی در دوره استبداد صغیر، قیامی را هدایت کردند که به شکست محمدعلی شاه قاجار منجر شد. در این میان، قیام 29 بهمن 56 مردم تبریز، حلقه زنجیره قیام‌هایی شد که سرانجام حکومت پهلوی را با هدف برقراری یک جامعه آزاد، برابر، انسانی، عادلانه و مرفه پایین کشید.

این قیام از آن‌جا آغاز شد که در روز نوزدهم دی ماه 1356، مردم قم در اعتراض به چاپ مقاله اهانت آمیز با امضای مستعار احمدی رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات، توسط نیروهای سرکوبگر پهلوی به خاک و خون کشیده شد. در چهل این کشتار، مردم نقاط مختلف ایران در همبستگی با جان‌باختگان قم، مراسم‌هایی را برگزار کردند. اما این مراسم در شهر تبریز روز 29 بهمن، به یک قیام مردمی منجر گردید در واقع سرآغازی برای سرنگونی حکومت پهلوی بود.

از همان ساعات اولیه صبح شنبه 29 بهمن 1356 دانش‌جویان، دانشگاه را به کلی تعطیل کرده و راهی محل تجمع شدند. در این روز تمام مغازه‌ها، بازار، حتا نانوائی‌ها هم تعطیل بودند. هر چه به ساعت زمان برگزاری مراسم چهلمین جان‌باختگان قم، نزدیک‌تر می‌شد بر جمعیت تجمع‌کننده در مقابل مسجد قزلی (میرزا آقا یوسف مجتهد)، افزوده می‌شد. به طوری که شمار مردم به بیش از 20 هزار نفر تخمین زده می‌شد. این مسجد در سر بازار تبریز، انتهای خیابان فردوسی واقع شده است.

در این مسجد را بسته بودند و نیروهای انتظامی نیز تمام این محله را در محاصره خود داشتند. تیمسار قره‌باغی از سران ارتش شاه در این مورد گفته است: «...البته خب، بیش‌تر اون طوری که احساس شد، ناشی از دستور استاندار بود که گفته بود در مساجد رو ببندند، بسته بودند، راه نداده بودند.»

سروان حق‌شناس، رییس کلانتری ناحیه شش وقت، با سرعت خود را به اجتماع مردم رساند و با لحن توهین‌آمیز و عامرانه‌ای، گفت: «بو طول‌نین قاپسین باغلیبون، بولار جهنم اولسونلار گدسینلر»، یعنی در این طویله را ببندید تا این ها گورشان را گم کنند. این افسر در آزار و اذیت و شکنجه مبارزان تبریز خصوصاً سرک و بی تظاهرات دانش‌جویان نقش فعالی داشته و چهر منفوری بود. همین لحن افسر کلانتری، خشم «محمد تجلا»، این دانشجوی جوان را به طوری برانگیخت که کشیده محکمی در گوش حق شناس خواباند. افسر کلانتری مسلحانه به طرف او حمله برد. جوان سینه‌اش را باز کرد و گفت: «بزن» حق‌شناس، با اسلحه‌ای که در دست داشت قلب جوان را هدف گرفته، شلیک نمود و جوان در مقابل هزاران مردم معترض جان باخت.

شلیک اسلحه کم‌ری حق‌شناس و جان‌باختن آن جوان، بلافاصله انفجار خشم مردم را در پی داشت. مردم با هر آن‌چه در دسترس داشتند از سنگ و چوب به نیروهای انتظامی که آن‌ها را در محاصره داشتند، حمله‌ور شدند و این جرعه، آغاز قیام شورانگیز مردم تبریز شد.

مردم در حالی که بیکر این جوان جان‌باخته قیام خویش را بر دست حمل می‌کردند، از بازار خارج شدند. مردم نیز گروه‌گروه به آن‌ها پیوستند.

مردم به رهبری مردم آگاه و به ویژه دانش‌جویان مبارز، به چند گروه تقسیم شدند و در خیابان‌های مختلف شهر دست به راهپیمایی زدند. سرانجام تمام شهر از حالت عادی خارج شد و شکل قیام عمومی به خود گرفت. مردم تجمعات مختلف، به وجود آورده بودند و تمام شهر را تحت شعاع حرکت‌های اعتراضی خود قرار داده بودند به طوری که شعارهای مردم خشمگین تمام شهر را به لرزه درآورده بود و تعداد مردم معترض نیز به ده‌ها هزار نفر بالغ می‌شد.

مقامات شهر، کلیه نیروهای سرکوبگر خود را برای سرکوب مردم، به خیابان‌ها آوردند و حتا فوری با پادگان ارتش در مراغه تماس گرفتند تا حوالی عصر بسیاری از نیروهای ضدشورش و پلیس و سرباز و ساواکی‌های لباس شخصی را به خیابان‌های شهر ریختند. با این وجود، آن‌چنان همبستگی عجیب و غیرقابل‌تصور بین مردم به وجود آمده بود که همه هوای همدیگر را داشتند و ترسی از صفیر گلوله‌ها نداشتند.

وقتی حتا اعزام کامیون‌های پر از نیروهای پلیس و ماموران ضدشورش نیز نتوانست قیام را مهار کند؛ یحیی لیقوانی رییس ساواک تبریز، هنگامی که عادی نبودن اوضاع شهر را می‌بیند، بلافاصله با تهران تماس می‌گیرد و کسب تکلیف می‌کند. شاه که خیر قیام مردم تبریز به او رسیده بود، در تماس با جمشید آموزگار دستور حفاظت از پمپ بنزین‌ها، کارخانه‌ها، ادارات دولتی و سرکوب شدید را تظاهرات مردم را می‌دهد و می‌گوید که هرگونه مقاومتی سرکوب گردد. شورای امنیتی استان تشکیل جلسه می‌دهد و تصمیم می‌گیرد از نیروهای ارتش و ژاندارمری استفاده کنند و یگان‌های نظامی در سطح شهر مستقر شوند و برای این که نشان بدهند در سرکوب جدیت دارند دستور استقرار دو دستگاه تانک چیفتن، دو دستگاه نفربر و یک دستگاه تانک اسکورپین را در سطح شهر می‌دهند.

نتیجه مکالمه تلفن تیمسار استاندار آذربایجان شرقی با نخست‌وزیر هم به شرح زیر بود: 1- استاندار آذربایجان شرقی، با نهایت قدرت عمل نماید. 2- دستگیرشدگان بازجویی شوند. 3- در صورت مقاومت سرکوب گردند. 4- تیم فیلمبرداری از تهران اعزام می‌گردد. مامورین در انجام مأموریت آنان، جهت فیلمبرداری از اماکن و تاسیسات خسارت‌دیده تسهیلات لازم فراهم نمایند. 5- بنابه اوامر مطاع مبارک شاهنشاه آریامهر، کلیه پمپ بنزین‌ها و مخازن نفت و بنزین و کارخانجات باید تحت مراقبت شدید قرار گیرند. 6- تیمسار استاندار با آقای قاضی واعظ شهر تماس تلفنی حاصل نموده و مقرر گردید که همراه چند نفر از روحانیان در مساجد مختلف شهر تبریز مردم را به رعایت نظم و آرامش دعوت نمایند.» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، جلد سوم، تهران، وزارت اطلاعات، 1377، ص 21)

در پی این اقدامات، ساعت 16 نیز جلسه‌ای با حضور مقامات مسئول آذربایجان شرقی برای رسیدگی و ارزیابی این قیام تشکیل شد. با مقاومت‌هایی که در پادگان تبریز برای سرکوبی مردم صورت گرفته بود، امکان استفاده از نیروهای این پادگان برای حکومت فراهم نشد. از این‌رو، از پادگان‌های شهر عجب شیر و مراغه و مرند درخواست کمک کردند.

اما هیچ‌کدام از این تهدیدها و ترفندها تاثیری در هم شکستن روحیه مردم معترض نداشته به طوری که با اعتراض گسترده و مقاومت بی‌نظیر مردم تبریز به ویژه جوانان، دانش‌جویان، مردان و زنان روبرو شدند و نیروهای سرکوبگر تعداد بی‌شماری از مردم را به قتل رساندند و یا زخمی کردند. درگیری بین مردم و نیروهای سرکوبگر تا عصر ادامه یافت. تا این که سرانجام ساعت 5 بعد از ظهر نیروهای نظامی با سرکوب شدید، کنترل شهر را به دست گرفتند.

مردم معترض و خشمگین به اولین مرکز دولتی یورش بردند، ساختمان مرکزی حزب رستاخیز بود. هنگامی که مردم مقابل آن رسیدند با وجود آن که رگبار گلوله به سوی مردم می‌بارید در مدت کوتاهی، ساختمان این حزب به تصرف مردم درآمد و تمام وسایل آن از جمله وسایل نقلیه را بقیه آتش کشیده شد. مراکز دیگری چون سینماها و بانک‌ها از دیگر اهداف خشم انقلابی مردم بود که یکی پس از دیگری ویران شدند.

از حوالی شب شنبه تا فردای آن روز (یکشنبه)، صدها نفر را دستگیر کردند و هر جا که چند نفری جمع می شدند بلافاصله عکس العمل شدید نشان می دادند و آن ها را تهدید و دستگیر و متفرق می کردند. ظهر یکشنبه، استاندار تبریز، «اسکندر آزموده» در گفتگو با رادیو و تلویزیون گفت که «تعداد کثیری از اخلاصگران را که از خارج مرزها برای ایجاد آشوب آمده بودند، دستگیر شدند.»

در اسناد و گزارشات آمده است که قیام سازمان یافته مردمی تبریز، در وسعتی به طول 12 کیلومتر از دانشگاه آذربادگان در شرق تا ایستگاه راه آهن در غرب و در عرض 4 کیلومتر از مقر حزب رستاخیز در شمال تا دو خیابان مانده به کنسولگری آمریکا در جنوب گسترده شده بود. (مجموعه اسناد لانه جاسوسی، تهران، 1373، ص 55)

یکی از جوانان تبریز به نام قربانعلی شاکری در چهارراه دانشسرا زیر گلوله مام و ران خود را به بالای مجسمه شاه رساند تا طنابی به گردن آن بیندازد و مردم آن را به زیر بکشند، اما گلوله به وی اصابت کرد و جان باخت.

در محله دوچی (شتربان) که یک محله کارگری و فقیرنشین تبریز است و سابقه طولانی مبارزه داشت، نبرد سختی میان مردم و پلیس در جریان بود. نیروهای سرکوبگر حکومتی، با همه ابزارهای سرکوب خود سعی در سرکوب مردم داشتند، گاز اشک آور و دود باروت گلوله سبب شده بود که ابر سیاهی آسمان این محله را فرا بگیرد.

در رابطه این کشتار، در آمار ساواک آمده است: «581 نفر دستگیر، 9 نفر کشته، 118 نفر زخمی. 3 دسنگاه تانک، 2 سینما، یک هتل، کاخ جوانان، حزب رستاخیز و تعدادی اتومبیل شخصی و دولتی به آتش کشیده شدند.» چند روز بعد تعداد جانباختگان تبریز به 13 نفر رسید.

دانشجویان مبارز و چپ، نقش مهمی در گسترش و هدایت قیام تبریز ایفا کردند. آن ها سعی کردند طوری مردم را هدایت کنند که از یکسو از حرکت های بی هدف و احساسی جلوگیری شود و از سوی دیگر، آسیبی به مغازه ها و اموال شخصی مردم نرسد. برای نمونه مردم به بانک ها حمله می کردند بدون این که کسی پول های آن ها را غارت کند. یا هر جا که بانکی در طبقه زیرین خانه مسکونی قرار داشت فقط به شکستن شیشه آن اکتفا می کردند تا آسیبی به منازل مردم نرسد. اتومبیل های شخصی مردم در کنار خیابان ها آسیب ندیدند در حالی که وسائل نقلیه دولتی سریعاً مورد حمله قرار می گرفت. حتی یک نمونه خیر و گزارش منتشر نشده است که مبارزین و مردم معترض به مدرسه و یا مرکز فرهنگی آسیبی برسانند.

قیام مردم تبریز و این کشتار وحشیانه مردم، شاه و کل دستگاه های دولتی را غافلگیر کرد. چرا که در چهل روزی که از کشتار مردم قم می گذشت اعتراض جدی صورت نگرفته بود دولت و در راس همه شاه فکر می کردند، مردم مرعوب شده اند و جرات اعتراض ندارند. اما قیام قهرمانانه و شکوه مند مردم تبریز، ورق جدیدی را در جامعه ایران گشود که این ورق تا سرنوشتی حکومت پهلوی باز ماند و سرنوشت سراسر جامعه ایران را رقم زد.

واکنش حکومت شاه، بر علیه قیام 29 بهمن مردم تبریز، بسیار سریع بود: اولین واکنش حکومت پس از برقرار ی حکومت نظامی، دستگیری های گسترده بود. پس از پایان روز 29 بهمن ظرف 48 ساعت 621 دانشجوی دستگیر و روانه زندان شدند. اقدام دیگر سرکوبگران حکومتی در این شهر، برکناری و تنبیه مسئولین و مامورینی بود که به طور جدی در مقابل مردم نایستاده بودند و یا بخشا همراهی نیز کرده بودند. شاه دستور داد مامورانی که در پیش بینی و جلوگیری از واقعه قصور کرده اند تنبیه شوند. رییس شهربانی تبریز، معزول و به تهران احضار شد. استاندار هم بر کنار گردید.

روز نهم اسفند 1356، روزنامه رستاخیز در این باره چنین نوشت: «سپهبد آزموده که در زمان وق ایع بهمن ماه تبریز، استاندار آذربایجان شرقی بود به تهران احضار گردید.» در پی قیام مردم تبریز، رییس شهربانی آذربایجان، تسلیم «کمیسسیون بررسی واقعه» شد. دولت کوشید تا با کنترل مطبوعات و رادیو تلویزیون تا حد مقدور آن واقعه را یک مساله بی اهمیت جلوه دهد. مسئولان حزب رستاخیز اولین طرفداران شاه بودند که در این خصوص موضع گیری کردند؛ هلاکو رامبد، گفت: «عوامل آشوب تبریز معلوم نیست کی و از کدام مرز وارد ایران شده اند.» وی در روز بعد گفت: «کمونیست های شناخته شده سبب اغتشاش تبریز بوده اند.» محمود جعفریان، در اجتماع اعضای حزب رستاخیز تبریز، چند روز بعد از قیام اعلام کرد: «آشوبگران که تبریز را به آتش کشیدند تبریزی نبودند.»

کلماتی نظیر کمونیست‌های شناخته شده، مزدوران خارجی، مارکسیست‌ها، مارکسیست‌های اسلامی به طور مکرر و کسل‌کننده‌ای توسط سران و مقامات و مسئولین حکومت شاه در مطبوعات و رادیو تلویزیون تکرار می‌شد.

محمدرضا شاه، در 8 اسفند 56 به مناسبت روز آزادی زنان در ورزشگاه بزرگ تهران، سخن رانی تندی کرد و در آن حمله شدیدی به مخالفان حمله نمود. او، در قسمتی از صحبت خود گفت: «سیاست حداکثر آزادی را ادامه خواهیم داد زیرا ارکان این مملکت بر اساس انقلاب شاه و ملت چنان قوی است که مظاهر واپسین اتحاد نامقدس سرخ و سیاه نمی تواند به آن خلل وارد کند.» (روزنامه رستاخیز، 9 اسفند 1356)

ابعاد حرکت مردمی تبریز در 29 بهمن 56 چنان وسیع بود که واحد خبر رادیو و تلویزیون آذربایجان روز بعد از حادثه خبری را بدین مضمون به خبرگزاری پارس و رادیو تلویزیون ملی ارسال کرد: «در تظاهرات روز گذشته تبریز که تا شامگاه ادامه یافت، تظاهرکنندگان در خیابان‌های پهلوی، فردوسی، شهنواز، چهارراه باغ گلستان، ملل متحد، امین، کورش، شاه بختی، شاهپور، دارایی، شمس تبریزی و نقاط دیگر این شهر به راه افتادند. طبق گزارش‌های رسیده در اثر این حوادث 73 بانک، 8 سینما، صدها مغازه، ده‌ها اتومبیل و اماکن دولتی از جمله ساختمان حزب رستاخیز به آتش کشید شد. در اثر این آتش‌سوزی‌ها که ساعت‌ها ادامه داشت هزاران برگ از اسناد بانکی و مقادیر قابل توجهی اسکناس نیز سوخته است. همچنین در تظاهرات روز گذشته، 18 نفر جان خود را از دست داده و 60 نفر از مجروحان این واقعه در بیمارستان‌های تبریز بستری شده‌اند. طبق اطلاعات به دست آمده تاکنون 650 نفر در این رابطه دستگیر و بازداشت شده‌اند.»

در پی ارسال این خبر، رادیو و تلویزیون ملی ایران، سراسیمه شد و خبر تحریف شده‌ای را به نقل از خبرگزاری پارس در اخبار روز 30 بهمن 56 پخش کرد. متن خبر که در ساعت دو بعد از ظهر 30 بهمن 56، از رادیو ایران پخش شد در واقع اعلامیه دولت تلقی شد چینی بود: «به گزارش خبرگزاری پارس، روز گذشته طی اغتشاشاتی که به وسیله چند گروه در تبریز روی داد، چندین محل به آتش کشیده شد و شیشه‌های تعدادی از مغازه‌ها در هم شکست ... چند گروه در خیابان‌های شهر به راه افتادند و در حالی که شعارهای کمونیستی و ضدملی می‌دادند به مغازه‌ها و بانک‌ها حمله بردند. این افراد در طول راه تعدادی از وسایط نقلیه را نیز به آتش کشیدند اما سرانجام با دخالت ماموران متفرق شدند.»

متعاقب این خبر رادیو و تلویزیون ملی در گزارش خود از مجلس شورای ملی گفت: «در جلسه علنی امروز مجلس شورای ملی و به دنبال نطق‌های پیش از دستور نمایندگان پیرامون وقایع تبریز، «هولاکو رامبد» وزیر مشاور در امور پارلمانی طی سخنانی اظهار داشت: در شهر تبریز عده‌ای اوباش و به صراحت بگویم مزدوران خارجی که معلوم نیست از کدام راه و کدام مرز وارد ایران شده‌اند، عملی شبیه آن‌چه لشکر مغول کرده انجام دادند و با تمام زش‌تی فجایی در شهر تبریز به وجود آوردند و به مراکز فرهنگی، خیریه و عمومی و آنچه که منحصراً برای خدمت به مردم بود صدمه زدند. البته آن‌چه برای همه روشن است پیشرفت ایران متوقف شدنی و برگشتنی نیست و دولت در نهایت قدرت و کمال مراقبت در حفظ امنیت، وظایف قانونی خود را انجام خواهد داد.»

حدود یک هفته پس از واقعه 29 بهمن، در پنجم اسفند 56 «محمود جعفریان» قائم مقام حزب رستاخیز برای شرکت در جلسه شورای این حزب به تبریز سفر کرد. سپهبد آزموده استاندار وقت آذربایجان شرقی در آن روز با حقارت و ذلالت تمام با چشمانی گریان خطاب به جعفریان گفت: «... اما چه کنم که تبریز گریان است، گریه کردند، من هم گریه کردم، آن روز گفتم و حالا هم تکرار می‌کنم روز بیست و نهم، به خدا قسم، به خدا سوگند، کاش همان‌جا از بین رفته بودم ... آذربایجانی کجایی؟ این‌ها که شما دیدید آذربایجانی نبودند، این‌ها تبریزی نبودند...»

سناریو بعدی حکومتیان، برپایی میتینگ فرمایشی حزب رستاخیز در تبریز و دعوت از جمشید آموزگار نخست‌وزیر و دبیرکل وقت این حزب بود. این میتینگ در میدان عالی قاپو (استانداری) و با بسیج اجباری کارمندان دولت، دانش‌جویان، دانش‌آموزان، اهالی روستاهای تابعه و شهرستان‌های اطراف و نیروهای نظامی و انتظامی و لباس شخصی برگزار شد و در آن جمشید آموزگار نخست‌وزیر وقت سخن‌رانی کرد.

او خطاب به حضار گفت: «باید پرسش کنیم آن‌ها که ادعا می‌کنند به طرفداری از مردم تظاهرات کرده‌اند و با این کار خود جوانان بی‌گناه ما را تحریک به تخریب و آشوبگری نموده‌اند، آیا این نامش طرفداری از توده‌های مردم است؟ آیا مفهوم آزادی این است که معدودی ورشکسته سیاسی بخواهند با این اعمال شرورانه سبب سلب آزادی از اکثریت مردم شوند؟ جای تاسف است که این گونه اقدامات در هنگامی صورت می‌گیرد که «انقلاب شاه و ملت» ایران را به سوی «دروازه‌های تمدن بزرگ» سوق می‌دهد. حوادثی که در آغاز سخنانم به آن اشارت رفت نباید موجب تشویش و نگرانی بشود، اگرچه در چند هفته اخیر هزاران نامه و تلگرام و پیام از ده‌ها هزار ایرانی وطن‌پرست به دست رسیده که همه خواستار مقابله و روبرویی با معدودی خراب‌کار و آشوب‌گر و مجازات تمام مسببین بودند. آن‌چه را که اطمینان می‌دهم این است که البته دولت به وظایف قانونی خود عمل خواهد کرد. ولی معدودی آشوب‌گر که جز پوچ‌گرایی و هرج و مرج طلبی اندیشه دیگری در سرندارند می‌توانند برای مدتی هر چند لئوتاه آسایش و رفاه توده‌ها را برهم بزنند و در این‌جاست که ضرورت همبستگی، پیوند و هم‌دلی بار دیگر به ثبوت می‌رسد که همگی در صفوف متشکل به راهنمایی و ارشاد فرمانده عالی‌قدر خود به پیش برویم و به دنیا نشان دهیم که هیچ نیرویی را یارای مقاومت با خواسته ملت ایران ب‌ رای رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ نیست و دولت اطمینان می‌دهد که با هرگونه هرج و مرج طلبی و آشوب‌گری چه از سوی چپی‌ها و چه از سوی راستی‌ها مبارزه خواهد کرد.»

چشمید آموزگار، در جهت تحریف هر چه بیش‌تر افکار عمومی مردم از واقعیت‌های دلایل قیام مردم تبریز، طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی در تبریز، گفت: «300 هزار آذربایجانی در تبریز طی قطع‌نامه‌ای پیوند خود با شاه را تجدید کردند!» بدین‌گونه عوامل و عناصر و دم و دستگاه حکومتی، انرژی زیادی به خرج دادند تا قیام مردم تبریز را به تحریکات «خارجی» و غیره نسبت دهند اما کسی چنین تحریفاتی را هرگز نپذیرفتند.

تبلیغات واهی و دروغینی که همین امروز نیز علی‌خامنه‌ای و احمدی‌نژاد، امام‌جمعه‌ها و دیگر سران و مقامات سیاسی و نظامی ریز و درشت حکومت اسلامی، علیه جنبش خودجوش مردم آزاده ایران، راه انداخته‌اند.

اما این تظاهرات نمایشی که با بسیج کارمندان دولتی، نیروهای سرکوبگر، آوردن مردم از روستاهای اطراف به این نمایش دولتی و همچنین سوءاستفاده از احساسات مذهبی مردم برگزار شده بود نه تنها شور و هیجانی نداشت، بلکه حتا بین جمعیتی که ساواکی‌ها و مامورین و رستاخیزی‌ها بسیج کرده بودند نیز زد و خورده‌ای روی داد و در مجموع به قول پارسونز سفیر انگلیس در ایران: «تلاش دولت موفقیت‌آمیز نبود.» (سرآنتونی، پارسنز، غرور و سقوط، ترجمه منوچهر راستین، تهران، مولف، 1363، ص 104)

خبرگزاری‌ها، از جمله بی‌بی‌سی، مونت کارلو، فرانسه، عراق، پیک ایران، رادیو باکو و غیره اخبار 29 بهمن 56 را پخش کردند. سرکوب و کشتار وحشیانه مردم معترض تبریز، مردم سراسر ایران را چنان تکان داد که جامعه ایران در آستانه انفجار قرار گرفت. انفجاری که سرانجام دودمان پهلوی را بر باد داد. از آن تاریخ، حکومت پهلوی و در راس همه شاه به یک‌چهره منفور تر از همیشه مبدل شد. بنابراین، قیام گسترده مردم تبریز و قتل عام آن، بازتاب وسیعی در سراسر ایران و نهادها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی داشت. این واقعه در خارج کشور نیز توسط کنفدراسیون دانش‌جویان ایرانی، به گوش افکار عمومی مردم جهان رسید.

نشریه «16 آذر» نشری کنفدراسیون محصلان و دانش‌جویان ایرانی خارج از کشور نوشت: «قیام تبریز نه فقط برگی زرین به تاریخ مبارزات ضدارتجاعی و قهرمانانه اهالی ستمکش این شهر می‌افزاید، بلکه لحظه‌ای درخشان در تاریخ پیکار خلق‌های میهن است.» تعدادی از دانش‌جویان مبارز ایرانی مشغول به تحصیل در برلن شرقی (پایتخت جمهوری دموکراتیک سابق آلمان) سفارت ایران را در برلن به اشغال خود درآوردند و به افشای جنایات شاه و پخش خبر مبارزه مردم تبریز پرداختند، خبر این جریان به سراسر جهان مخابره شد.

دانش‌جویان مقیم اتریش نیز مقارن سفر وزیر امور خارجه ایران که به دعوت صدراعظم و رییس‌جمهور اتریش به آن کشور رفته بود، در خارج دانشگاه وین، دست به تظاهراتی زدند و شعار خود را «حمام خون در ایران» قرار دادند. آن‌ها می‌گفتند تعداد بسیار زیادی از مردم به خصوص از شهر تبریز ضمن تظاهرات در زدوخوردهایی که با پلیس صورت گرفت، کشته شده‌اند.»

مراسم چهلم جانباختگان تبریز، در شهرهای متعددی برگزار شد. قیام با برگزاری مراسم چهلمین جانباختگان تبریز، دست کم در 55 شهر بزرگ و کوچک که در میان آن ها، یزد مشهورتر است، تداوم پیدا کرد. باین ترتیب، تظاهرات چهلم قیام مردم تبریز، تقریباً سراسری کشور را در بر گرفت. مردم شیراز، اصفهان، جهرم، اهواز و یزد کشته‌هایی دادند که این مساله باعث شد تظاهرات و تجمعات اعتراض بیش‌تری در سراسر کشور سازمان‌دهی شود.

در روزهای نهم و دهم فروردین مردم یزد، به اعتراضات گسترده‌ای دست زدند که توسط نیروهای سرکوبگر به خشونت کشیده شد. بنا به گزارش پلیس از تظاهرات یزد، پس از آن که نیروهای امنیتی نتوانستند با استفاده از گاز اشک‌آور تظاهرکنندگان را متفرق سازند به روی آن‌ها آتش گشودند. تظاهرات شهر یزد، گسترش بیش‌تری نسبت به سایر شهرهای دیگر داشته است. بدین ترتیب، مراسم چهلم جانباختگان تبریز، یکی از مراسم‌های اعتراض‌آمیز گسترده‌تری بود؛ اعتراضاتی که پنجه‌آهنین حکومت پهلوی را در هم شکست.

پس از قیام تبریز و یزد، علاوه بر تشدید اقدامات پلیسی، تلاش‌هایی نیز از طریق حزب رستاخیز صورت گرفت. «کمیته راهنمایی و اطلاعات» که هدف آن تشریح توطئه‌هایی بود که از «خارج هدایت» می‌شود تا مملکت را نابود سازد و هم چنین کمیته دیگری به نام «کمیته اقدام سراسری» در پایتخت و مراکز استان‌ها به وجود آوردند تا با «اغتشاشات» مبارزه نماید.

تختین نتایج این قیام، رویارویی تمام عیار مردم با نیروهای سرکوبگر سلطنت پهلوی با شعار «مرگ بر شاه» بود که پس از قیام تبریز، این شعار در تمام ایران سر داده شد. دوم این که این قیام، افکار عمومی مردم سراسر ایران و جهان را به گونه‌ای تحت شعاع قرار داد که یک افق و چشم‌انداز یک انقلاب را در مقابل مردم آزاده ایران گشود.

براین قیام 29 بهمن مردم تبریز، نقطه عطفی در جریان مبارزات مردم تبریز علیه حکومت شاه شد که می‌توان آن را به اذعان بسیاری از دست‌اندرکاران و فعالان انقلاب 1357، موتور محرک پیروزی انقلاب نامید.

با فرارسیدن سالروز قیام تبریز، مردم سراسر ایران بار دیگر عزیمت و اراده کرده‌اند تا حکومت اسلامی را نیز رهسپار همان گورستان تاریخ کنند که سی و یک پیش حکومت شاه را فرستادند. اما تفاوتی که قیام آن دوره مردم تبریز با این دوره دارد در این نکته مهم و قابل تعمق است که هنوز مردم تبریز قیام خود علیه حکومت جهل و جنایت اسلامی را آغاز نکرده‌اند دلایل این امر را باید به طور جداگانه و مستقل مورد بحث و بررسی و نتیجه‌گیری قرار داد. اما این انتظار اجتماعی و سیاسی از مردم مبارز تبریز، این است که این بار نیز مردم تبریز چون دوران انقلاب مشروطیت و انقلاب 57، پیش‌تاز انقلاب اجتماعی مردم سراسر ایران علیه حکومت اسلامی نیز باشند.

بدین ترتیب، قیام شورانگیز و رشک‌برانگیز 29 بهمن مردم تبریز، سرآغاز راه سرنوشت‌ساز تاریخی بود و پیامی سراسر نویدبخش و تحسین‌برانگیز برای مردم سراسر ایران داشت که سرانجام با سرنوشتی حکومت پهلوی، به حاکمیت 2500 ساله شاهنشاهی در این کشور خاتمه داد.

یاد و خاطره جانباختگان قیام 29 بهمن تبریز و

همه جانباختگان راه آزادی در حکومت پهلوی و اسلامی گرامی باد!

یکم اسفند 1388 - بیستم فوریه 2010

منبع: سایت دیدگاه